

به نام خداوند جان آفرین
حکیم سخن در زبان آفرین

خُمارِ مستی

بر اساس زندگینامهٔ عالیجناب شیخ مصلح‌الدین سعدی

پادشاه ملک سخن

شاعر عشق، صلح و دوستی

www.ketab.ir

برشته	نشد جواد جواهری - مهناز - ۱۳۴۴
عنوان و نام پندآور	خمار مستی: براساس زندگی نامه شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی
نالیف	مهناز سیدجواد جواهری
مشخصات نشر	تهران / نشر صبای الوند
مشخصات ظاهری	۷۲۷ ص، وزیری
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
موضوع	زندگی نامه سعدی شیرازی
شابک	۹۷۸-۶-۰۰۰-۹۵۳۳۳-۳-۶
ردبندی دیوبی	۸۵۳/۶۲
شماره کاتالوژی ملی	۲۵۱۲۸۷۵



انتشارات صبای الوند

- نام کتاب: خمار مستی
- ناشر: صبای الوند
- نویسنده: مهناز سیدجواد جواهری
- مدیر فنی: رامین موسائی
- ویراستار: رامین موسائی
- صفحه آرا و طراح جلد: پروانه نصرالهی



۶۳۰۰۰۰ تومان

این اثر برای نشر صبای الوند محفوظ است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر روش بدون

مجوز کتبی از ناشر ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.

نشر صبای الوند: تهران، شریعی، خیابان سمیه، کوچه طباطبائی مقدم بن بست بهار پلاک ۶

تلفن - ۷۷۶۵۴۵۲۱

پست الکترونیکی: Sabayealvand@yahoo.com

فهرست

۱۷.....	آغازنامه.....
۲۲.....	مردی به نام خواجه مشرف الدین عبدالله.....
۳۲.....	ممسافر کوچک.....
۳۷.....	تحقیق یک پیش بینی.....
۴۲.....	ضیافت خانه سلطان.....
۴۶.....	شفاعت سعدین زندگی در حق مشرف الدین.....
۴۹.....	گرفتاری مشرف الدین.....
۵۳.....	روزهای سخت.....
۵۶.....	مرگ اتابک ایلدگیز و بازگشت اتابک تلکه به شیراز.....
۶۰.....	روی خوش زندگی.....
۶۳.....	مستمندان کوی بلبل.....
۶۷.....	ضیافت رمضان.....
۶۹.....	آتش سوزی در محله کوی بلبل.....
۷۱.....	جشن رمضان و نخستین دیدار.....
۷۱.....	مصلح الدین با جناب سعدین زندگی.....
۷۵.....	مصلح الدین به مکتب می رود.....
۷۹.....	تابستان سال ۵۹۰.....
۸۳.....	نام نویسی در مدرسه نظامیه شیراز.....
۸۳.....	و شکفتن ذوق شاعری مصلح الدین.....
۸۶.....	پند پدر در مذمت غیبت.....
۸۸.....	ماجرای خواجه مسلم بقال.....
۹۰.....	توفان در راه.....
۹۳.....	کوچ غم انگیز پدر.....
۹۸.....	مرا باشد از درد طفلان خبر.....
۱۰۲.....	خدا گر ز حکمت بیندد دری.....
۱۰۸.....	بچه های کارگاه گلیم بافی.....
۱۱۳.....	درسی تازه در رابطه با خوی خوش.....
۱۱۵.....	بامدادان که تفاوت نکند لیل و نهار.....
۱۱۸.....	ایام شوریدگی.....

۱۲۴	یادگاری از معشوق
۱۲۶	فراغ بی وصال
۱۲۸	در جست و جوی دلدار
۱۳۲	گل ماه
۱۳۵	مراسم جشن اختتامیه مدرسه نظامیه شیراز
۱۳۹	دیداری دوباره
۱۴۷	مقدمات و تدارکات سفر
۱۵۰	یک عهد دهساله
۱۵۴	بگذار تا بگیریم
۱۵۹	خوشا سبیده دمی باشد آنکه بینم باز
۱۶۳	اولین سفر دریایی مصلح الدین
۱۶۹	یک روز در بصره
۱۷۴	اقامتی کوتاه در کوفه
۱۷۶	در مسیر بغداد
۱۸۱	شهر افسانه‌ای بغداد
۱۹۶	در وادی کسب دانش
۲۰۱	روزهای تنگدستی
۲۰۸	ماجرای آتش سوزی در بغداد
۲۱۶	در هر حال باید شاکر بود
۲۲۰	بازی روزگار
۲۲۴	در جست و جوی علم یا عشق
۲۳۳	دوباره عشق
۲۴۰	باز هم شیدایی
۲۴۴	دلی که حور بهشتی ربود و یغما کرد
۲۴۸	آوازه خوان بد صدا
۲۵۲	شبی به یاد ماندنی در بغداد
۲۵۷	غریب آشنا
۲۶۴	همکلاسی تازه مدرسه
۲۶۷	یک روز در محضر قاضی القضاات بغداد
۲۷۲	به هیچ یار منه خاطر و به هیچ دیار
۲۷۶	با کاروان حجاز
۲۸۴	در وادی بنی خفاجه
۲۹۱	آنچه در نخله محمود و بیلقان پیش آمد
۲۹۴	روزهای اقامت در مکه مکرمه
۳۰۰	خاطرات به یاد ماندنی

۳۰۲.....	دیدار با والی.....
۳۰۴.....	در راه مدینه النبی.....
۳۱۱.....	به سوی کیش.....
۳۲۶.....	چند صباخی در اصفهان و دیدار ابراهیم نیشابوری.....
۳۳۰.....	صیافت بزرگ جناب حاکم.....
۳۳۷.....	سعدی اینک به قدم رفت و به سر باز آمد.....
۳۴۳.....	دیدار پادشاه جدید فارس در سال ۶۰۶.....
۳۵۴.....	گفت‌وگویی دوستانه با مادر.....
۳۶۳.....	دیدار با دوستان کلیم‌باف.....
۳۶۸.....	آغاز سفر و زیارویی با مؤذن بدصدا.....
۳۷۳.....	شهر آباد ری.....
۳۷۶.....	در راه خوارزم.....
۳۸۰.....	حکایت‌هایی که کاروانیان می‌گفتند.....
۳۸۳.....	شهر بلخ.....
۳۸۷.....	دیدار با پهلوان برتر شهر بلخ.....
۳۸۹.....	در راه بلخ به بامیان.....
۳۹۴.....	چند صباخی در آبادی عشق‌آباد.....
۳۹۶.....	مصلح‌الدین از دانش و هنر خود در.....
۳۹۶.....	وضع و خطابه استفاده می‌کند.....
۴۰۳.....	سرانجام، گرگانج.....
۴۰۸.....	در دوبار خوارزمشاهیان.....
۴۱۳.....	روزهای اقامت در گرگانج.....
۴۲۸.....	دومین دیدار با سلطان محمد خوارزمشاه.....
۴۲۸.....	در قصر عجیب.....
۴۳۳.....	سومین دیدار با سلطان محمد خوارزمشاه.....
۴۳۸.....	دیدار با ترکان‌خاتون.....
۴۴۵.....	ترکان‌خاتون کینه مصلح‌الدین را به دل می‌گیرد.....
۴۴۸.....	ماجرای گریز از خوارزم.....
۴۵۱.....	دردسر در دروازه شرقی.....
۴۵۴.....	گرفتار در کویر.....
۴۵۷.....	یک معجزه.....
۴۶۱.....	رهایی از خطر.....
۴۶۳.....	دوباره شیراز.....
۴۷۰.....	جنگ در منطقه ری و پیامدهای آن برای مصلح‌الدین.....
۴۷۳.....	گفتاری جدی.....

سخنی از نویسنده

گرت بدایع سعدی نباشد اندر بار

به پیش اهل معانی چه ارمغان آری

هیچ گاه از تفرج در بوستان و گلستان همیشه بهار دست برنداشته‌ام و هرچه بیشتر در آن سیر می‌کنم گل‌های تازه‌تری می‌یابم که مشام جان را بیش از پیش معطر می‌کند. با گشت‌وگذاری در این آثار پر گل و ریاحین و سرشار از ادب و حکمت و سیاست و اصول تربیت و غیره، به دستچین زیبایی از گل‌های شفابخش و نگهدارنده تندرستی رسیدم که مروت ندادم از آن تحفه‌ای به ارمغان، پیشکش ادب‌دوستان، به‌خصوص مشتاقان و علاقه‌مندان بکنم.

www.ketab.ir